

جامعه‌شناسی خانواده در تئوری و عمل

پرفسور هلموت شک
Helmut Schoeck

ترجمه و تلخیص:
دکتر مجتبی مؤیدی

اغلب جامعه‌شناسان غربی تا يك دهه پیش معتقد بودند که صنعتی شدن و شهری شدن باعث از هم گسیختگی ساخت خانواده سنتی شده و یا حداقل عامل این از هم گسیختگی بوده است و در نتیجه ساخت خانواده را تبدیل به خانواده هسته‌ای کرده است. جامعه‌شناس امریکائی ویلیام ج. گود^۱ معتقد است: «پشت این تشخیص و شناخت، تصویر ایده‌آل و پراز آرزوی خانواده سنتی نهفته است که در هیچ زمانی کاملاً منطبق با واقعیت نبوده و نخواهد بود.» ویلیام ج. گود جامعه‌شناس امریکائی و استاد دانشگاه کلمبیا، در کتاب جامع خود «انقلاب جهانی و خانواده پدری»^۲ دگرگونیهای ساخت خانواده را در جریانهای تطور اجتماعی در سطح جهانی مورد پژوهش قرار داده است. منظور او از عنوان کردن «انقلاب جهانی» اصولاً تطور سریع اجتماعی جامعه است و نه يك انقلاب سیاسی. دگرگونی نظام‌های سیاسی در جوامع مختلف باعث دگرگونیهای بنیادی در ساخت خانواده نشد. کوشش‌هایی که پس از انقلاب اکتبر در روسیه شوروی برای دگرگونی ساخت خانواده از طریق قانونی انجام پذیرفت، سودمند واقع نشد و از سالهای ۱۹۳۰ - ۱۹۴۰ به بعد در روسیه شوروی نهاد خانواده از نظر اهمیت بیش از هر چیز در سیاست اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و از حمایت قانونی برخوردار شد.^۳ جامعه‌شناسی امریکائی از مقایسه مدارکی که از ساخت خانواده در جوامع غربی و همچنین در کشورهای ژاپن، هند، چین و کشورهای عربی در دست داشت باین نتیجه رسید که در جوامع گذشته ساخت خانواده منحصر به خانواده گسترده نبوده، در کلیه اعصار، خانواده هسته‌ای وجود داشته است. بدیهی است که درباره

اشکال مختلف خانواده در يك جامعه X در يك زمان Y نمیتوان اظهار نظر قاطعی کرد. معیذا امروزه میتوان در جامعه شناسی خانواده، نظراتی را که جامعه‌شناسانی چون امیل دورکیم ارائه داده‌اند و در پی آن در اواخر قرن نوزدهم ادعاهائی مبتنی بر يك پیشرفت اجتماعی در جهت تحلیل خانواده عنوان شده است مردود اعلام کرد. جامعه‌شناسانی چون فرانک فورستبرگ^۴ صنعتی شدن و شهری شدن را از عوامل اساسی پیدایش و توسعه همه جانبه خانواده هسته‌ای در جوامع امروزی نمیدانند، بلکه معتقدند که در مرحله ماقبل صنعتی شدن (حدود ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۰) در ایالات متحده امریکا تمایل در جهت خانواده هسته‌ای وجود داشته است که خود یکی از عوامل تسریع صنعتی شدن بود.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ تحقیقاتی از طرف جامعه‌شناسان غربی بویژه آمریکائیان درباره چگونگی خانواده و روابط فرزندان بالغ با اولیاء خود صورت گرفت و نتایج حاصله تصویر فوق از خانواده را تأیید می‌نماید.^۵ اکثر مطالبی که جامعه‌شناسان آلمانی‌زبان درباره خانواده ارائه داده‌اند، مطالبی کلی و عمومی درباره ساخت خانواده معاصر بوده که مبتنی بر تحقیقات محققین آمریکائی است و تحت تأثیر آنها انجام پذیرفته است^۶ تردیدی نیست که مباحث مربوط به خانواده در اروپای غربی و آمریکای شمالی از تشابه زیادی برخوردارند. یکی از این مباحث تغییر شکل خانواده در اثر صنعتی شدن جوامع نامبرده می‌باشد. اگر در اثر صنعتی شدن ابعاد خانواده رو به تقلیل رود، جامعه ایالات متحده نیز باید تابع این اصل باشد. و اگر چنین نیست، باید قبول کنیم که کوچک شدن ابعاد خانواده در اروپا تابع عوامل دیگری است.

امروزه دونظریه در مورد تقارن زندگی نسل‌های متعدد وجود دارد. در عصر حاضر نسبت به قرن پیش افراد زودتر تن به ازواج میدهند (ولی باز هم محققین در این مورد متفق القول نیستند) و در نتیجه پائین آمدن سن ازدواج، افراد زودتر نوادگان خود را می‌بینند و از طرف دیگر سن متوسط بالا رفته است. بنابراین امروزه نسبت به قرن پیش این امکان بیشتر است که سه نسل همزمان زیست کننده و بایکدیگر در ارتباط باشند.

جامعه‌شناسان آمریکائی در دهه ۱۹۶۰ معتقد بودند که اکثریت خانواده‌های ایالات متحده را خانواده‌های هسته‌ای تشکیل میدهند و اعتقاد کلی بر این اصل استوار بود که اعضای خانواده هسته‌ای نه تنها از دیگر خویشان و اقوام خود و از نسل ماقبل خود جدا زندگی میکنند، بلکه روابط متقابل بین افراد فامیل نیز ناچیز است و خانواده زن و شوهری با خانواده خود در سطح وسیع کمتر در رابطه است. همچنین افراد خانواده

در مقابل هم کمتر احساس مسئولیت نموده و در نتیجه کمک متقابل افراد خانواده نسبت به قرون گذشته بسیار ناچیز است. برخلاف عقاید مذکور ماروین زوسمن^۷ باتکیه بر تحقیقات خود و دیگر جامعه‌شناسان آمریکائی، مخالف جامعیت و قاطعیت مطالب یاد شده می‌باشد. به عقیده او همزمان با روابط خویشاوندی اقلی که بطور وسیع مابین افراد خانواده وجود دارد، تماس مابین خانواده‌های هسته‌ای نسل‌های مختلف در سطح وسیع برقرار است و افراد ارزش زیادی برای انجام خدمات بعنوان یک وظیفه اخلاقی بین خویشان و نزدیکان خود قائل هستند. بنابراین خدماتی از قبیل خرید مایحتاج روزانه و یا مراقبت از کودکان، ارشاد افراد خانواده و پی‌گیری مسائل خانوادگی و تشریک مساعی در کارهای حقوقی افراد خانواده از جمله مسائلی است که هر عضو خانواده در سطح وسیع، خود را به‌انجام آن موظف دانسته از کمک دریغی ندارد. اولاد و اعقاب افراد سالمند، وظیفه پرستاری و نگهداری آنان را در مواقع بیماری و بحرانی عهده‌دار می‌گردند، برای آنان مسکن تأمین می‌کنند و قسمتی از اوقات فراغت خود را به آنان اختصاص می‌دهند. بطور کلی میتوان اذعان کرد که افراد خانواده در سطح وسیع در مواقع ضروری دریغی از یابوری یکدیگر ندارند.

پژوهش‌های متعددی که درباره تماس افراد خانواده در کشورهای مختلف اروپای غربی از جمله اتریش و آلمان فدرال انجام گرفته، مبین تماس‌های روزافزون نسل‌های مختلف در سطح خانواده‌های هسته‌ای می‌باشد. از تحقیقاتی که درباره تحرک، کثرت تغییر محل سکونت و پراکندگی خانواده‌های هسته‌ای در جامعه صنعتی نوین انجام شده است چنین به نظر میرسد که این موضوع مدنظر قرار نگرفته است که قاعدتاً دویاسه نسل بطور شگفت‌انگیزی نزدیک به یکدیگر زندگی می‌کنند و دارای پیوندهای عاطفی شدیدی می‌باشند. پتر تاووزن^۸ در تحقیقاتی که درباره روابط افراد در قشرهای پائین اجتماع لندن انجام داد، پی برد که خانواده گسترده در نواحی زانغه‌نشین و مناطق پست به حد و فوریت می‌شود^۹ همچنین رزن‌مایر^{۱۰} استاد جامعه‌شناسی دانشگاه وین باتکیه بر پژوهش‌های خود در اتریش با استفاده از نتایج پژوهشگران خارجی معتقد است که با وجود تشکیلات زندگی مستقل در کشورهای صنعتی، تمایل زیادی بین افراد وجود دارد که حتی الامکان محل سکونت خود را نزدیک به محل سکونت پدر و مادر خویش انتخاب کنند^{۱۱}.

بطور کلی میتوان اظهار داشت که $\frac{۲}{۳}$ والدین در کشورهای غربی معمولاً با فرزندان بالغ خود در تماس روزانه هستند. این مسئله بخصوص در ایالات متحده آمریکا در حالیکه از تحرک جغرافیائی زیادی برخوردار است و دارای فواصل جغرافیائی

زیادی است، چشمگیر است. پژوهشی که در سال ۱۹۶۵ انجام گرفت، مؤید این اصل است که تنها ۵٪ والدین در فاصله‌ای بیش از آنچه که اتومبیل می‌تواند در یک روز بپیماید، از فرزندان خود سکونت دارند.

نظریه استوار بر خانواده هسته‌ای منزوی مبتنی بر این اصل است که افراد کهن‌سال در حالت اتروا زندگی می‌کنند، از طریق این واقعیت رد می‌شود که حتی با وجود تشکیلات خانوادگی مستقل، وابستگی شدیدی بین افراد سه نسل خانواده پایدار است و بویژه در مواردی که احتیاج مبرم به کمک متقابل افراد مطرح باشد.

رزن‌مایر در تحقیق خود اشاره به پژوهش سترایبز (Streibs) در سال ۱۹۶۵ میکند که در ایالات متحده احساس مسئولیت در ترد افراد بقدری شدید است که اکثر آنها با والدین پیر خود یکجا زندگی کرده و یا در مواقعی که والدین تقاضای کمک از فرزندان خود می‌کنند آنان هیچگاه از انجام آن دریغ نمی‌ورزند. اتل شاناز از تحقیقی که درباره روابط خانوادگی انجام داده است نتیجه می‌گیرد که افراد در مواقع ضروری در درجه اول سعی میکنند که با اعضای خانواده خود مشورت کنند. طبیعی است که چگونگی روابط خانوادگی در کلیه مراحل زندگی یکسان نیست ولی بطور کلی میتوان اظهار داشت که روابط خانوادگی و احترام متقابل، بستگی به طول عمر خانواده در سطح وسیع دارد.

یادداشت‌ها:

- 1) William J. Goode
- 2) W.J. Goode : World Revolution and Family Pattern
- 3) Ludwig Liegle : Familienerziehung und sozialer Wandel in der Sowjetunion, Berlin 1970
- 4) Frank Fürstenberg
- 5) E. Shanas and G.F. Streibs : Social structure and the family : General relations, 1965
- 6) Rene König : Handbuch der empirischen Sozialforschung, Band 2, 1969
- 7) Marwing Sussman
- 8) Peter Townsend
- 9) P. Townsend : The Family Life of old Peoplean Inquiry in East London, 1957
- 10) L. Rosenmayer
- 11) Handbuch der empirischen Sozialforschung, band 2, 1969

بخش خانواده